

علوی

۲ درستی و نادرستی جملات زیر را مشخص کرده و در صورت نادرستی، درست آن‌ها را بنویس.

الف: شعر زیبای «لطف حق» در مورد حضرت موسی (ع) است.

ب: هم خانواده‌ی «جلیل»، «مجلل» است.

پ: «سراسر» و «لبالب» از ~~جزء~~ جزء تشکیل شده‌اند.

ت: کلمه‌ی «بعد» و «سپس» جمله‌ها را از هم ~~جدا~~ جدا می‌کند.

۳ در جای خالی کلمه‌های مناسب بگذار.



الف: ~~سراسر~~ جنگل پر از درختان سرو بود.

ب: همه‌ی انسان‌ها با هم ~~برابر~~ هستند.

پ: در نا لباس‌های ~~رنگارنگ~~ می‌پوشید.

ت: قلب او ~~مالمالم~~ از عشق و محبت بود.

ث: او ظرف را ~~لبالب~~ از آتش کرده بود.

۴ کلماتی که «هم‌معنی» هستند را مثل هم رنگ کن.



۵ مخالف کلمات زیر را بنویس.

جوان ← کهنسال

بی‌انصاف ← عدل

ناحق ← حق

مگر ← حیات

خوش بخت ← نگون اقبال

با هر یک از کلمات زیر ترکیب وصفی و ترکیب اضافی بنویس.

ترکیب اضافی	ترکیب وصفی	کلمات
کشتی ناخدا	کشتی بزرگ	کشتی
خدای زیبایی‌ها	خدای مهربان	خدا
قادر آسمان و زمین	قادر توانا	قادر

با استفاده از کلمه‌های داده شده، شعر را کامل کن.

خندان - حق - صیاد - حتی داور - قضا

چو امیدش به حق بود آن کبوتر نجات از مرگ دادش حتی داور
 بزد ماری به شست پای صیاد قضا بر باز خورد آن تیر و افتاد
 به خاک افتاد هم صیاد و هم باز کبوتر شاد و خندان کرد پرواز

با حروف به هم ریخته، چهار واژه بنویس که از متن درس باشد. (می‌توانی از بعضی حروف دوبار استفاده کنی).



شوق

عین

حق

وحي



تحقیق کن و در چند جمله بنویس چرا به حضرت موسی (ع) «کلیم الله» می‌گفتند؟

چون حضرت موسی تنها پیامبری است که در حالت بیداری و هوشیاری کامل... مستقیماً با خداوند هم‌کلام می‌شدند
 به همین دلیل به ایشان لقب «کلیم الله» دادند.



برنامه‌ای که در یک روز تعطیل برای خودت در نظر داری را بنویس و بین جمله‌هایت از کلمه‌ی «سپس» یا «بعد» استفاده کن.

برنامه‌ی روزانه



.....

.....

.....

.....

۱۱ شعر «امید» را به صورت یک داستان کوتاه بنویس.

روزی بازی سبک‌بازی کبوتری را دنبال کرد کبوتر برای نجات جان خود بی روی درختی نشست در این هنگام صیادی
سگاری قصد جان کبوتر را با لای سیر کبوتر باز کبوتر بی پای کبوتر صیاد کبوتر نمی دانست پرواز کند یا نه پایینی
ناگهان ماری پای صیاد را بیتی زد و تیر و کمان از دست صیاد رها شد و بییم باز از خود فرار کرد همه کبوتر
خوشحال نجات پیدا کرد

۱۲ با توجه به سوالات داده شده، پاسخ مناسب را انتخاب کن.

الف: مفهوم بیت «ما به دریا حکم توفان می‌دهیم / ما، به سیل موج، فرمان می‌دهیم» در کدام گزینه آمده است؟

- ۱) همه پدیده‌های هستی زیر نظر قدرت خداوند هستند.
- ۲) دریاها هر زمان توان نخواهند کرد.
- ۳) سیل و موج هرگز به وجود نمی‌آید.
- ۴) حکم و فرمان توفان به دریاها داده شده است.

ب: کدام دسته از کلمات، همگی مُخَفَّف هستند؟

- ۱) رَبِّ جَلِيل، کای، ساحل
- ۲) لطف، خُرد، ناخدا
- ۳) آنچه، از، چو
- ۴) کاین، چو، زین

پ: شعر «امید» با کدام ضرب‌المثل تناسب دارد؟

- ۱) هر که بامش بیش، برفش بیشتر
- ۲) از تو حرکت از خدا برکت
- ۳) با یک گل بهار نمی‌شود
- ۴) در ناامیدی بسی امید است، پایان شب سیه سپید است.

ت: شاعر در شعر «امید»، علت اصلی نجات بچه کبوتر را چه می‌داند؟

- ۱) زرنگی و گریختن
- ۲) امید به حق
- ۳) یاری کردن بخت و اقبال
- ۴) تشخیص درست

ث: در شعر «لطف حق»، شاعر، به ترتیب، چه چیزهایی را برای حضرت موسی، «مادر» و «دایه» می‌نامد؟

- ۱) توفان و سیلاب
- ۲) موج و توفان
- ۳) موج و سیلاب
- ۴) رود و موج





در زمان متوکل که یکی از خلفای عباسی بود ظلم و آزار بر مسلمانان به نهایت رسیده بود. زندان‌ها پر از مردم بی‌گناه بود. در میان زندانیان، جوان خوش سیمایی بود که جوانی او، دل فرمانده جلادان را به رحم آورد.

او به جوان گفت: «من دلم نمی‌آید تو را بکشم؛ اما دستور وزیر است و چاره‌ای نیست، ولی اگر خواسته‌ای داری، بگو تا در این لحظه‌های آخر آن را برآورده کنم.»

جوان لقمه‌ای نان خواست تا رفع گرسنگی کند. برایش مقداری غذا آوردند و جوان چنان با آرامش مشغول خوردن شد که همگی تعجب کردند.

فرمانده گفت: «از کار تو سر در نمی‌آورم. چنان با خونسردی مشغول خوردن هستی که انگار سالیان دراز زنده خواهی ماند»

جوان با خونسردی در حالی که سببی برداشت گفت: «نگاه کن تا این سیب به هوا می‌رود و برمی‌گردد هزار چرخ می‌خورد. خدا داناست شاید در این مدت هم اتفاقی بیفتد»

او این را گفت و سیب را به هوا پرتاب کرد هنوز سیب به زمین نرسیده بود که عده‌ای سوار، هراسان به میدان کشتار آمدند و فریاد زدند، «دست نگه دارید، متوکل را کشتند!»

«فوت کوزه‌گری»

الف: چرا دل فرمانده جلادان نسبت به آن جوان به رحم آمده بود؟

چون جوان خوش سیمایی بود.

ب: جوان در لحظه‌های آخر عمر چه چیزی خواست؟

یک لقمه نان.

پ: چه چیز باعث شده بود که جوان با خونسردی مشغول خوردن شود؟

امید به خدا.

ت: این داستان تو را به یاد کدام ضرب‌المثل می‌اندازد؟

خبر نیا، امید بی‌پایان، سیب سبب سپید است.

ث: چه نتیجه‌ای از این داستان می‌گیری؟

نزد ناامید نشویم.

